LIBRARY OF CONGRESS
0 040 055 093 1

سَرکِش	mutinous	افتتاح	inauguration
بی باك	fearless	تحریك	intrigue
شَرّ	evil	تصاحب‌کردن	to take possession
روحیّات	spiritual conditions	مناسب	suitable
تَعلیم و تَربیَت	education	شرعی	legitimate
مَنطِق	logic	رقابت	competition
تبعید کردن	to exile, banish	پوشالی	buffer
اِستِبداد	tyranny	اعمال	using
تَشویق کردن	to encourage	مطلق	absolute
مَشروطِه	constitutional	وبا	cholera
مُستَشار	advisor	سردار	chief
کودِتا	"Coup d e tat"	فرمانده‌کل قوا	Commander-in-Chief
مُتَفِقین	allies	منحل	dissolved, closed

ARMY LANGUAGE SCHOOL • 27-8-52-182-8116

رجال	men	دِژ	fort
فُوت	death	فَلسَفِه	philosophy
نِزاع	fight	تاجگُذاری	coronation
نامَشروع	illegal, illegitimate	وَقایِع	happenstances
مُشاجِره و مُنازِعه	arguments	واقِعه	incident
فَرض کردن	to suppose	مُتداوِل	current, prevalent
نایبُ السَّلطنه	viceroy	رایِج	current, circulating
قَیِّم	guardian, tutor	قَطعی	final, definite
مُوَقَّتی	temporary	رُونَق	lustre, glitter
خُودخواه	egotistic	قَلمرو	territory
نِشانه	sign, aim	قِناعَت	contentment
شَرح	description	جِدال	fight
مُفَصَّل	lengthy, detailed	هَرج و مَرج	chaos, confusion
تَاسیس شدن	to be established	وَصف	description
ریشه دَواندَن	to take root	توپخانه	artillery
حَریف	oponent	پیاده نِظام	infantry
رَقیب	competitor	سَواره نِظام	cavalry
مَغلوب	defeated	آماده	prepared
فُرات	Euphrates	پُرتقالیها	Portugese
خاتِمه	end	زِوال	decline
جانِشین	a successor	زِوال	downfall
دُنباله	tail, continuation	ننگین	shameful
سَبك	style	تَختِ طاوُس	Peacock Throne
کِشورگُشائی	conquest	جَواهِر	gems, jewels
مُتَزَلزِل	shaky	خواستار	wishing
کینه	grudge, enemity	عُضو	member

سَر آمَد	superior	انقلاب revolution
مَبدَأ	origin	اغتشاش riot
فَتح	victory	زمینه background
جَوانمَردی	chivalry	دخالَت interference
بی نَظیر	matchless	مالیات tax
وُسعَت	extent	عَقَب اُفتاده delinquent
قَبیله (ج ـ قَبایِل)	tribe	اُمورِ سیاسی political affairs
تَصمیم گرفتن	to decide	غَنیمَت spoil, booty
پُشتیبانی	help	صُلح peace
بَرتری	superiority	به رَسمیَّت شِناختَن to recognize
فُرصَت	chance	مالِك owner
ساتراپ	ancient Persian for "governor"	سَرکِشی riot, revolt
مُنجَرّ	drawn, led to	سَلیقه talent
قَتل	murder	ذَوق taste
ضَعیف	weak	نَقّاش painter, artist
کاری از دَستِشان ساخته نبود	they were not able to do that	نَویسَنده writer
نُفوذ	influence	شاعِر (ج ـ شُعَرا) poet
خونخوار	bloodthirsty	تَمَدّن civilization
خونریزی	bloodshed	نَظَریّاتِ opinions
سوگند	oath	ظُهور appearance
جاری کردن	to cause to flow	حَقیقَت fact, reality
جاری شدن	to flow	خارِقُ العادِه extraordinary
گُسیخته	torn, broken	مُتَّحِد united
پیوسته	united, joined	شَهامَت bravery
مستقل	independent	اَساسی fundamental
تسلّط	domination	بالِغ adult

عایِدی	income	اِختِصاص دادن to appropriate
مَساحَت	area	نمایَندِه deputy, representative
مُرَبَّع	square	صِنف guild, branch
تَخمین زَدَن	to estimate	طایِفه tribe, clan
قانونِ اَساسی	constitution	رَسیدِگی کَردَن to investigate
سَرکَردِه	head, chief	بودجِه budget
فَرمانفَرما	governor, chief	شُغل job, business
حُکم	order	وِکالَت position of deputy
اَصل	base, principal	کاندید candidate
قاعِدِه	rules	مُجازات punishment
قانون	law	سَلبِ مَصونیَّت deprivation of legal immunity
دین	religion	رَایِ اِعتماد vote of confidence
صادِر کَردَن	to issue, export	بَرگُزیدَن to select
رَئیس	chief, boss	شعبِه branch, department
صَلاح دیدَن	to see fit	پیرُو follower
عَمَلی کَردَن	to execute	مَعبَد (ج ـ مَعابِد) temple
خُلاصِه	anyhow	نِژاد race
اِختِلاف	difference	قَصد intention
صُحبَت ، بَحث	discussion	کوچیدَن to migrate
چِشم بَستِه	blindly	مَسکونی residential
اِطاعَت کَردَن	to obey	جَمعیَّت group, crowd
اِقدام کَردَن	to take steps	دَر جَوارِ next to
مُوَفَّق	successful	شوریدَن to revolt
مَجبور کَردَن	to force	شِکَست دادَن to defeat
مَجلِسِ شُورایِ مِلّی	Parliament	تَرکیب combination, mixture
مَقصود	purpose	مُقتَدِر powerful

طولانی	lengthy	گیاهان vegetation
اِدامه داشتن	to be continued	اَفزودَن to add
قُلّه	peak	نَوع (ج) اَنواع kind
دُوبارِه	again	بَلوط oak
وَصل شدن	to become connected	پِسته pistachio
تَقریباً	approximately	مُعتَدِل moderate
بَرجِستگی	projection, bump	زَیتون olive
سَرچِشمه	source, spring	تَک تَک sparsely
سَرچِشمه گِرفتَن	to spring from	مَحصول (ج) مَحصولات product
سَرحَد	boundary	طَرز method, manner
آبیاری	irrigation	رَوِش method, way
سَدبَندی‌کردن	to build dams	اِبتدائی elementary
کَویر	salt desert	بِرنج rice
زِراعَت	agriculture	تَریاك opium
بَرف	snow	پَنبه cotton
کوهِستانی	mountainous	عُمده main, primary
حَوالی	vicinity,	شَراب wine
وَزیدَن	to blow	اَبریشَم silk
بُخار (ج) بخارات	steam	پَشم wool
مَطلوب	desirable	گَندُم wheat
رَطوبَت	moisture	اَهَمیَّت importance
آب‌وهوا	climate	قابِلِ ذِکر worth of mention
بُرودَت	coldness	نِفاق discord
خَفه‌کُننده	suffocating	زَرخیز rich
وُجود	existence	مَنبَع (ج) مَنابع source
جیره	ration	سَرمایه capital, asset

coal	زغالِ سنگ	art, craft, industry	صَنعَت
plentiful	فَراوان	poverty	فَقر
unfortunately	مُتأسِّفانه	public	عُمومی
amount	مِقدار	utilization, profit	اِستِفاده
deposit	ته نِشَسته	substances	مَوادّ
gypsum	سَنگِ گچ	substance	مادّه
sulphur	گوگِرد	expensive, precious	گرانبَها
considerable	مُعتَنابِه	hidden, concealed	نَهُفته
consumption	مَصرَف	deprived	مَحروم
kind, sort	قَبیل	direction, side	جَهَت
ruby	یاقوت	mine	مَعدَن
turquoise	فیروزه	rich	مُتَموِّل
ochre, ruddle	اُخرا	region, territory	سَرزَمین
shores	سَواحِل	to be found	یافت شُدَن
shore	ساحِل	to consist of	عِبارَت بودن
profitable	با مَنفَعَت	gold	طَلا
natural	طَبیعی	silver	نُقره
plateau	فَلات	lead	سُرب
from the point of	از حیث	copper	مِس
height	اِرتفاع	zinc	روی
other	سایِر	tin	قلع
neighbor	هَمسایه	mercury	جیوه
lands	اَراضی	nickel	نیکِل
land, earth	اَرض	iron	آهَن
level, surface	سَطح	manganese	مَنگَنز
bowl	کاسه	antimony	آنتیموان

VOCABULARY

such	چنین	boundaries, limits	حُدود
to appear, seem	بِنظَر رسیدن	boundary, limit	حَدّ
shallow	کَم عُمق	state, country	کِشوَر
to cover	پوشانیدَن	ancient, old	باستان
belonging	مُتَعَلِّق	expression	اِصطِلاح
middle, mediocre	مُتَوَسِّط	East	خاوَر
glacier, ice pit	یَخچال	middle	میانِه
snow	بَرف	country	مَملَکَت
to be formed	تَشکیل	limited	مَحدود
beginning	شُروع	Caspian Sea	بَحرِ خَزِر
deserts	صحاری	to be located	قرار داشتن
desert	صَحرا	gulf, bay	خَلیج
reason, cause	دَلیل	embrace	آغوش
proof	اِثبات	finally, eventually	بِالاَخَره
claim	اِدعا	point, dot, spot	نُقطِه
economics	اِقتِصاد	sight, view	نَظَر
economics	اقتصادی	point of view	نُقطِه نَظَر
means, tools	وَسائِل	Geology	زمین شناسی
mean, tool	وَسیلِه	era, reign	دوره
mechanical	مِکانیکی	genesis, beginning	پیدایِش
recent, new	جَدید	to become hard	سَخت شُدَن
rare, scarce	کَمیاب	fossil	فُسیل
scarcity	کَمیابی	center	مَرکَز
machine	ماشین	vicinity, neighborhaod	نَزدیکی

رضاخان سردار سپه چند ماه بعد سید ضیا را از ایران تبعید کرد و خودش نخست وزیر شد و در ضمن، وزیر جنگ، سردار سپه، فرمانده کل قوا و خیلی چیزهای دیگر هم بود. احمد شاه هم که قدرتی از خود نداشت و اغلب مریض بود، بیشتر اوقاتش را در اروپا میگذراند.

بالاخره در سال ۱۹۲۵ مجلس شورای ملی سلسله قاجاریه را منحل و رضاخان را بشاهی تعیین کرد و در سال بعد رضاخان به اسم رضاشاه رسماً پادشاه ایران شد و سلسله پهلوی را تشکیل داد.

رضاشاه اصلاحات زیادی در داخل کشور کرد ولی ضررهای زیادی هم به ملت وارد آورد. بالاخره در سال ۱۹۴۱ تقریباً پس از هفده سال دیکتاتوری از ایران تبعید شد و پسرش محمد رضاشاه (شاه فعلی) بجای او پادشاه ایران شد.

خاتمه

را هم بگیرند و با هندوستان همسایه شوند . انگلیسها که هندوستان را مال شرعی خودشان میدانستند، هر چه میتوانستند سعی میکردند که ایران بدست روسها نیفتد و در نتیجه کشور ایران سر زمین رقابت بین این دو دولت قوی شده بود . هر کدام سعی میکردند هر قدر میتوانند در تمام ایران نفوذ داشته باشند . در حقیقت ایران را تبدیل به یك دولت پوشالی کرده بودند .

وقتی روس و انگلیس از سیاست بازی و اعمال نفوذ در ایران قدری خسته شدند ، آمدند و با هم قراردادی بستند که هر کدام منطقه نفوذی در ایران داشته باشند و بمنطقه نفوذ دیگری کاری نداشته باشند . به این منظور در ماه اوت ۱۹۰۷ ایران رابسه منطقه تقسیم کردند ؛ یك منطقه شمالی که فقط روسها در آن نفوذ مطلق داشته باشند و یك منطقه جنوبی که فقط میدان نفوذ انگلیسها باشد و یك منطقه باریك هم در وسط که هیچکدام از این دو دولت در آنجا نفوذی نداشته باشند . ایران در زمان احمد شاه هم با وجودیکه مجلس شورا داشت، بواسطه نفوذ دول خارجی و جنگ بین‌المللی روز به روز ضعیف‌تر و بیچاره‌تر میشد و به طرف نیستی میرفت . بعد از خاتمه جنگ دنیا اوضاع ایران خیلی خراب و بد بود . قحطی ، وبا و ناخوشیهای دیگر میلیون ها مردم را میکشت ، دولت به اندازه‌ای ضعیف بود که نمیتوانست در داخل ایران نظم و آرامش برقرار کند . در اوایل سال ۱۹۲۰ بلشویکها که همان نقشه سابق تزاری را میخواستند تعقیب‌کنند ، به ایران حمله کردند و بندر انزلی (بعدا پهلوی) و شهر رشت را گرفتند و در ۲۵ اوت همین سال جمهوری شوروی رشت را تشکیل دادند ولی بزودی سربازان ایرانی که بفرم قزاق های روسی لباس میپوشیدند به ریاست سرهنگ رضاخان به آنها حمله کردند و آنها را شکست دادند .

بعد از آن سرهنگ رضاخان با قوای کوچکی که داشت بتهران حمله کرد و باکمك سید ضیا مدیر یك روزنامه دست راست کودتا کرد . در کابینه‌ای که تشکیل دادند، سید ضیا ، نخست وزیر و رضاخان هم وزیر جنگ و سردار سپه شد .

این کار پایه و بنیانی برای تعلیم و تربیت امروزه ایران شد .

در اواخر سلطنت طولانی (۱۸۹۶ ـ ۱۸٤۸) ناصرالدین شاه مردم از شاه و دولت ناراضی و از اوضاع خراب کشور به تنگ آمده بودند و قصد شورش داشتند . یکی از این ناراضیها به اسم رضا کرمانی ناصرالدین شاه را با گلوله بقتل رساند و در نتیجه راه امیدی برای مردم باز شد .

بدبختانه مظفرالدین شاه پسر ناصرالدین شاه هم شاه خوبی نبود و نمیتوانست کاری برای مردم بکند . از این جهت مردم شوریدند و او را مجبور کردند که با تاسیس مجلس شورای ملی و تشکیل یك حکومت مشروطه موافقت کند . مظفرالدین شاه ناچار در تاریخ اوت ۱۹۰۶ قانون اساسی را امضا کرد و اولین دوره مجلس شورای ملی افتتاح شد .

مظفرالدین شاه چند ماه بعد یعنی در ژانویه ۱۹۰۷ مرد و تاج وتخت ایران به پسرش محمد علی شاه رسید . با وجودیکه این پادشاه در زمانی که ولیعهد بود، قانون اساسی را امضا کرده بود، ولی بتحریك روسها و کسانیکه با مجلس شورای ملی مخالفت داشتند، خواست مجلس را ببندد و چون نمایندگان مجلس و سایر آزادیخواهان شدیدا مقاومت کردند دستور داد مجلس را بمباران کنند و بعد عده ای از روسای آزادیخواهان و نمایندگان را یا کشت و یا تبعید کرد . این عمل شاه مردم را بیشتر عصبانی کرد و در تمام کشور بین قوای دولتی و قوای ملی جنگ خونینی در گرفت و طولی نکشید که قوای دولت در همه جا شکست خورد و در ماه ژوئیه ۱۹۰۹ محمد علی شاه گرفتار و تبعید شد و پسرش احمد شاه که بیش از یازده سال نداشت، پادشاه ایران شد .

از وقتیکه انگلیسها هندوستان را صاحب شدند، دولتهای مقتدر دیگری مثل فرانسویها، آلمانها و روسها، بفکر افتادند که هندوستان را از چنگ انگلیسها بیرون بیاورند و خودشان آنرا تصاحب کنند . روسها که از دیگران به هندوستان نزدیکتر بودند، خود را مناسب‌تر برای اینکار میدیدند و برای رسیدن به هندوستان از هیچ اقدامی فروگذار نمیکردند و به همین مقصود بود که قفقاز و ترکستان را گرفته بودند و منتظر فرصت بودند که ایران

بعد از محمد شاه ناصرالدین میرزا شاه شد . در زمان او روسها تقریبا تمام نقاط شمال را تصرف کردند و شاه را مجبور کردند که بالاخره حدود جدیدی برای کشور ایران معین کند . این تعیین حدود کاملا به ضرر ایران تمام شد و ضمنا خطر آن هم میرفت که خراسان نیز به دست روسها بیفتد .

انگلیسها نیز از جنوب و جنوب شرقی ، ایران را مجبور کردند سرحدی در ایالت بلوچستان برای خود شان معین کند . ترکها هم بایران زور آوردند که حدود کشور خود شان را با ایران هر چه زود تر معلوم کنند . . از این ببعد سرحدات ایران امروز تقریبا معین شد .

ناصرالدین شاه خدمات فرهنگی زیادی به ایران کرد و در زمان سلطنت او ایران توانست قدری استراحت کند و به کارهای فرهنگی بیشتری بپردازد . اگرچه سرحدات ایران کوچکتر شده بود و ایران کشوری تقریبا شکست خورده بود ، ولی صلح داخلی و راحتی عمومی ، کمك زیادی به افکار و روحیات ایرانیان کرد .

بیشتر تعلیم و تربیت در ایران تا زمان ناصرالدین شاه به سبك و روش قدیم اجرا میشد . مدارس عموما با یك نفر معلم اداره میشد و کلاسهای درس در دوره های ابتدائی در مکتب خانه ها یا خانه های شخصی معلمین انجام میگرفت . دوره های عالی بیشتر فلسفه و منطق و قوانین مذهبی وعلوم دینی بود و آنها را دانشجویان در مساجد بزرگ ازعلمای دینی می آموختند .

ناصرالدین شاه بعد از سفری که به اروپا کرد و به ایران برگشت رونق تازه ای به روش تعلیم و تربیت در ایران داد و سبك تعلیم و تربیت فرانسه را به ایران معرفی کرد . به فرمان او اولین مدرسه ایران به شکل و روش تازه در تهران به اسم دارالفنون درست شد . در زمان این شاه برای اولین بار محصلین ایرانی به اروپا فرستاده شدند و برای آموختن علوم و ادبیات فرنگ زحمت زیادی کشیدند .

آقا محمد خان قاجار بعد از تصرف خراسان و آذربایجان روس تا تفلیس پیش رفت و بالاخره سر تا سر ایران را تصرف کرد و تهران را پایتخت ساخت . بعد از سه سال خونخواری و ظلم با لاخره دو نفر از نوکرهایش اورا به قتل رساندند و مردم را از شرش خلاص کردند .

بعد از آقا محمد خان ، فتحعلی میرزا برادرزاده او بتخت نشست . در زمان او سیاست اروپا در آسیا زیاد شد . فرانسویها و انگلیسها در هندوستان رخنه کردند و روسها نیز شروع به گرفتن ایالات قفقاز ایران نمودند . فتحعلیشاه مجبور شد با آنها جنگ کند و بعد از جنگهای شدید بالاخره شکست خورد و ایالات قفقاز را بکلی از دست داد . جنگ او با افغانها برای پس گرفتن هرات نیز بجائی نرسید زیرا نفوذ انگلیسها در افغانستان برای حفظ هندوستان مانع بزرگی در راه پیشرفت لشکر ایران شده بود . ولی فتحعلیشاه ایالات خراسان و سرخس را که از دست رفته بودند پس گرفت و با این عمل آبروی ایران را در آسیا کمی حفظ کرد .

بعد از فتحعلی شاه محمد میرزا نوه او به تخت نشست . محمد شاه برای گرفتن هرات زحمات زیادی کشید و بالاخره هرات را بدست آورد . بعد از فتح هرات انگلیسها که نمیخواستند این شهر بدست ایرانیها بیفتد و دروازه هند در خطر حمله روس باشد ، فورا جنوب ایران را اشغال کردند . دولت را نیز ترساندند که اگر هرات را رها نکند ، ایران را تصرف خواهند کرد . بالاخره ایران مجبور شد در سال ۱۸۵۷ در پاریس قرارادی ببندد که مطابق آن هرات را به افغانها پس بدهد و انگلیسها هم قوایشان را از ایران بیرون ببرند .

و جواهر به ایران آورد .

مدتی گذشت و نادر ممالك دیگری را نیز بدست آورد و بالاخره در اثر اشتباهی که‌کرده و پسرش را کورکرده بود ، دیوانه شد و بزرگان ایران مجبور شدند اورا بکشند (۱۷٤۷) .

زندیّه

یکی از پسران سرکردگان ایل قاجار که به کمك نادر آمده بود بعد از مرگ او لشکری تهیه کرد و سرزمینهای اطراف مازندران را گرفت . یکی دیگر از کسانی که خواستار تخت و تاج نادر شد شخصی بود بنام کریم خان از طایفه زند در فارس و بالاخره شخص سومی باسم آزاد خان افغان که حاکم آذربایجان بود ادعای سلطنت ایران را کرد . این سه نفر از سه گوشه مملکت شروع به سرکشی کردند و طالب تخت و تاج نادر شدند . این مسابقه مدتی دوام داشت تا اینکه بالاخره کریم خان بر هر سه غالب شد و صاحب تخت و تاج کشور وسیع ایران گردید (۱۷۵۰) .

این تنها عضو خانواده زندیه است که در ایران سلطنت کرد و ایران در زمان او آسایش کاملی پیدا نمود . کریم خان مردی بود عادل و درستکار . در زمان او آبادیهای بسیاری در ایران شد . شهر شیراز پایتخت کریم خان است و "وکیل" لقب اوست چون او هیچوقت خود را شاه نخواند .

بعد از مرگ کریم خان آقا محمد خان قاجار که مردی سرکش و ظالم و بی باك بود بر لطفعلی خان زند جانشین کریم خان غالب شد و اورا با وضع بسیار بدی کشت و ایران را تصرف کرد (۱۷۹٤) .

او کم کم این سلسله پر اقتدار رو به زوال رفت . روسها از شمال ، افغانها از مشرق و ترکها از مغرب شروع به حمله کردند . بالاخره در سال ۱۷۳۶ این سلسله به دست مردی که " نادر قلی " نام داشت از بین رفت .

افشاریه

شاه طهماسب صفوی که اوضاع را خراب دید از مردی که رئیس ایل افشار بود کمك خواست . نادر قلی که رئیس این ایل بود با پنج هزار نفر از مردانش به کمك شاه آمد و در این ضمن شاه از ایل ترك دیگری که قاجار نام داشت کمك خواست . کم کم لشکری درست شد و ارتش ایران به سرگردگی نادر قلی افشار به جنگ با افغانها مشغول شد . افغانها بعد از زد و خورد کمی گریختند و از میدان در رفتند و سرزمینهای ایران دوباره بدست ایران افتاد .

از شمال نادر میخواست با روسها جنگ کند ولی چون پطر کبیر مرده بود ، روسها تصمیم گرفتند که ایالاتی را که از ایران گرفته بودند پس بدهند . در جنگ با ترکها هم ایران فاتح شد و دو مرتبه ایران به مقام اولش بر گشت .

چون تمام سرزمینهای ایران دوباره زیر یك بیرق در آمد نادر تصمیم گرفت شاه طهماسب را از شاهی بیندازد و دلیل خوبی هم برای این کار داشت . شاه طهماسب با ترکها قرارداد ننگینی به ضرر ایران بسته بود و این باعث از بین رفتن او شد . نادر قلی بعد از بیرون کردن طهماسب و از بین بردن او و پسرش ، تصمیم گرفت خود را شاه بخواند و چون کس دیگری نبود که بر ضد او اقدامی کند ، در جلسه بزرگی که از سران لشکر و بزرگان ایران تشکیل شده بود ، همه همزبان نادر را به شاهی قبول کردند (۱۷۳۶) . نادر بعدها به هندوستان حمله کرد و سرزمینهای شمالی هند را تصرف نمود و تخت طاووس مشهور را با مقدار زیادی طلا ....

و از این جهت هرج و مرج عجیبی برپا شد . بالاخره پسر کوچکی از خدابنده که یکی از پادشاهان کوچك و موقتی صفوی در خراسان بود ، برخاست و بعد از زد و خوردهائی موفق شد که تاج و تخت را بدست بیاورد و خود را شاه بخواند . سال بعد ترکها دوباره به ایران حمله کردند و قشون ایران را شکست دادند . شاه عباس که گرفتاریهای زیادی در داخل ایران داشت ، وقت جنگ با ترکها را نداشت ، مجبور شد با ترکها صلح کند . در این زمان دو برادر انگلیسی بنام "برادران شرلی" به ایران آمدند و چون وصف شاه عباس را شنیده بودند تصمیم گرفتند باو کمك کنند .

بزرگترین کمك این دو برادر به ایران و به شاه عباس نظم دادن ارتش ایران و معرفی توپخانه بود . با کار فراوان شاه عباس و کاردانی برادران شرلی ، ایران دارای ارتش منظمی شد که عبارت بود از توپخانه ، پیاده نظام و سواره نظام . شاه عباس با بدست آوردن دل روسای قبایل و کوه نشینان ایران توانست مردان آنها را در ارتش خود جای بدهد و لشکری بزرگ و قوی در مدت کمی درست کند . بعد از آنکه لشکر او درست شد و همه چیز حاضر و آماده گردید شاه عباس قرارداد صلح را با ترکها شکست و بعد از جنگهای فراوان آنها را شکست سختی داد و نقاطی را که ایران از دست داده بود پس گرفت . مدتی بعد جزیره هرمز را که در خلیج فارس است ، از پرتقالیها پس گرفت و فرمانفرمای خلیج فارس و دریای عمان شد .

از وقایع خیلی مهم زمان شاه عباس آمدن انگلیسها به ایران است . از آن به بعد انگلیسها مرتبا در خلیج فارس کشتی رانی کردند و شاه عباس توانست با کمك آنها پرتقالیها را بکلی از جزایر خلیج فارس بیرون کند . از آن بعد انگلیسها روابط خودشان را با ایران شروع کردند و تا بحال ایران نتوانسته است بهیچ وسیله ای روابط مستقیم و غیر مستقیم خود را با آنها قطع کند .

مرگ شاه عباس در سال ۱۶۲۹ دوره بدبختی صفویها را شروع کرد ، بعد از

برساندو بالاخره آخرین نفر این خانواده در سال ۱۴۳۴ ایران و سرزمینهای پدرانش‌را از دست داد ۰

صفویان

بین سالهای ۱۴۳۴ و ۱۴۹۹ گروهی دیگر از مغولهاو ترکمنها در ایران حکومت کردند

بعد از مدتی مردی‌که اسمعیل نام داشت و از نواده های خانواده سلطنتی ترکهای ایران بود ، خود را از نواده های امام نامید وکم کم سلسله ای شروع کرد که صفویه خوانده شد ۰ در سال ۱۴۹۹ شهر تبریز را تصرف‌کرد و خود را شاه نامید این مرد در ایران یك جنبش‌مذهبی و وطن پرستی ایجاد کرد و مردم نه تنها اورا شاه دانستند بلکه اورا "مولی" یا پیشوای دینی نیز تصور کردندو در کمك او از دادن مال و جان کوتاهی نکردند ۰

شاه اسمعیل در سالهای بعد ازبکها را در خراسان و مرو شکست داد و این دشمن ایران را نیز از بین برد ولی خودش‌بعد از "سلیم" سردارعثمانی (ترکیه امروز) شکست سختی خورد و پایتختش‌تبریز بدست ترکها افتاد ۰ شاه اسمعیل از این امر خیلی نگران شد و بالاخره ازغصه مرد و ایرانیان را که بکلی از او مایوس شده بودند و مسئله امامت را چیز مسخره ای میدانستند ، بی راهنما و رئیس گذاشت ۰

بعد از شاه اسمعیل ، پسر او طهماسب به تخت نشست و ترکها در زمان او نیز حملات سختی به ایران کردند ۰ شاه طهماسب‌فقط وضعیت دفاعی به خودش گرفت و بالاخره با ترکها صلح کرد و بعد در سال ۱۵۷۶ مرد ۰

ایران تا سال ۱۵۸۷ بی پادشاه ماند و هرکسی در پی قدرت میگشت و

در سال ۱۲۲۷ چنگیز مرد و سرزمینهای تصرفیش بین پسرانش تقسیم شد. قسمت بزرگی از ایران به دست جغتای و قسمت دیگری از آن بدست سایر پسرها و سرداران مغول افتاد ۰ حاکم ایران در این وقت تولی خان بود ۰ پسرش هلاکو خان توانست بعد ها ایران را از همه جا بکلی جدا کند و آنرا کشوری جداگانه برای خود بشناسد ۰

هلاکو بعد از محکم کردن پایه سلطنتش فورا شروع به بیرون کردن دولتهای کوچکی کرد که میخواستند بعد از خوارزمشاهیان کشوری روی خرابه های دولت او درست کنند ۰ در ضمن ، هلاکو ، اسماعیلیه یا حشیشیون را نیز که به سرکردگی حسن صباح داشتند گروه خطرناکی میشدند ، شکست داد و بغداد را هم تصرف کرد ۰ هلاکو توانست سرحدات ایران را از مغرب به مصر و از مشرق به چین و از شمال به جغتای و از جنوب تا بیزانتین امتداد دهد ۰ کسانی که بعد از هلاکو آمدند این سلسله را ایلخانی یا ایلخانان نامیدند ۰ پایتخت هلاکو در شهر مراغه که در ایالت آذربایجان است قرار داشت ۰ هلاکو در سال ۱۲۶۵ مرد و پسرش بجای او حکومت را در دست گرفت ۰

بعد از مدتی که این مرد و مردان دیگری از ایلخانان در ایران سلطنت کردند ، بالاخره دولتشان بدست دو طایفه که چوپانان و جلایر نامداشتند از هم پاشید و در سال ۱۳۳۵ بکلی از بین رفت ۰

این حکومتهای کوچک که شماره آنها به پنج میرسد نتوانستند در مقابل لشکریان تیمور دوام کنند و هرکدام بنوبت شکست خوردند و از میدان سیاست و حکومت بیرون رفتند ۰ تیمور نیز فتوحات زیادی کرد و سرزمینهای ایران را از دست ایلات کوچك بیرون آورد ۰ اما مردمان ناراضی ایران اورا ناراحت کردند و مخالفهای شمال ایران نیز همیشه در پی جدال با او بودند ۰ بالاخره بعد از مدتی این قدرت هم با مرگ تیمور از بین رفت و شاهرخ پسر تیمور نیز نتوانست کار را بجائی

در اواخر دوره سلجوقی مردمانی از خوارزم که خود را شاهان خوارزم میخواندند به ایالات کوچك اطراف خود حمله میکردند ۰ کم کم بعد از مدتی حکومتی تشکیل دادند ولی چون سلجوقیان هنوز قدرت داشتند ، خوارزمیان نمیتوانستند بجائی برسند و فقط به فتوحات و زد و خوردهای محلی قناعت میکردند ۰ این شاهان نیز از بازماندگان غلام ترکی هستند به اسم انوشتکین غزنینی (غزنی) که مدتی سامی ملکشاه سلجوقی بود و بعد ها حاکم خوارزم (خیوه) شد ۰ یکی از نوادههای این مرد بعد ها شروع به سرکشی بر ضد سلجوقیان کرد و سلطان سنجر اورا شکست داد ۰ کمی بعد این مرد دوباره لشکری ترتیب داد و این بار دیگر کسی نتوانست جلو اورا بگیرد و کم کم سرحدات کشورش را در سراسر خوارزم و جند که در کنار رود سیحون بود ادامه داد ۰

کسانی که بعد از این مرد آمدند سرحدات کشور خوارزم را بزرگتر و بزرگتر کردند و بالاخره آنرا به سرتاسر ایران کشاندند و از طرف شمال شرقی به بخارا و سمرقند رفتند و خود را آقا و صاحب‌غزنین نامیدند ۰

قدرت این طایفه نیز در سال ۱۲۳۱ بوسیله مغولها تمام شد و چنگیز خان سردار معروف مغول ، جلال‌الدین ملکشاه را که آخرین پادشاه این سلسله بود شکست داد و دوره کوتاه سلطنت این طایفه نیز به پایان رسید ۰

حمله مغول

در سالهای آخر قرن دوازده میلادی مردان مغول به سرکردگی چنگیز خان از طرف مشرق به خاکهای آسیای شمالی و غربی حمله ور شدند و پس‌از شکست خوارزمشاهیان که فرمانفرمای ایران بزرگ‌بودند به طرف اروپا پیش‌رفتند و تا اروپای مرکزی و فنلاند را زیر پا گذاشتند ۰

یکی از غلامان ترک منصور اول از سلسله سامانی که اسمش الپ تکین بود با صاحبش دعوا کرد و از پیش او گریخت و بافغانستان پناه برد . در آنجا قدرتی برای خودش پیدا کرد و بعد از مرگش حکومت کوچکش بدست یکی دیگر از غلامان ترک به اسم سبکتکین افتاد (۹۷۷ میلادی) . این مرد سر سلسله غزنویان است .

سامانیان و تاتارها یا ایلخانان تاتار با هم جنگها و زد و خوردها کردند و هردو ضعیف شدند و این فرصتی بود برای غزنویان که بر هردو غالب شوند . این بود که از خانواده غزنویان مردی به اسم محمود لشکری برای جنگ با هردو حاضر کرد و بعد از مدت کمی شکست سختی برای همیشه بهردو داد . این مرد لقب "سلطان" را برای خود انتخاب کرد و صاحب خراسان و قسمتهائی از ترکستان و سمرقند و مرو و بخارا و شمال غربی هندوستان شد . محمود در همه جنگهایش تخم اسلام را پراکنده کرد و ادبیات را نیز در ایران رونق داد . شعرا و ادبای بزرگی در زمان او زندگی میکردند . فردوسی یکی از شعرای معروف ایران "شاهنامه" را بدستور محمود به شعر در آورد .

بعد از محمود جانشینانش نتوانستند آنطوری که باید و شاید از حکومت او نگاهداری کنند و در سال ۱۰۵۲ میلادی قسمتی از هندوستان را که در دست داشتند ، از دست دادند و بالاخره سلجوقیان در سال ۱۰۵۵ تمام قلمرو غزنویان را تصرف کردند و بغداد را نیز بدست آوردند .

سلجوقیان تنها خانواده ای هستند که بعد از ساسانیان بر همه نقاط ایران حکومت داشتند . قلمرو این پادشاهان از مشرق تا مراکز آسیا و از مغرب تا آسیای کوچک و "بیزانتین" ادامه داشت .

خوارزمیان

ایران آوردند و از این راه نفوذ عجیبی در سرتاسر این سرزمین کردند ۰ بعدها حکمفرمایان و حکام عرب در ایران برای خود دولتهائی بوجود آوردند و در زیر نفوذ خلفای بغداد ، حکومت نیمه مستقلی تشکیل دادند ۰ یکی از آنها بنام عبدالملك زبان عربی را در ایران متداول کرد و آنرا زبان درباری ایران نمود و پول رایج اعراب را در ایران بکار برد ۰ این وضع ادامه داشت تا اینکه بالاخره حکّام عرب در ایران بفکر آن افتادند که از زیر نفوذ خلفای بغداد بیرون بیایند و در این راه زحمتهای بسیاری کشیدند ۰ یکی از اینها مردی بود خراسانی بنام ابو مسلم که میگفت از خانواده ساسانیان است ۰ این مرد با کمك ایرانیانی که تازه اسلام را قبول کرده بودند سردار و حاکم عرب را که در خراسان بود بیرون کرد و بنای خانواده عباسی را گذاشت ۰ از این ببعد عباسیان صاحب حکومت ایران و اعراب شدند ۰ هارون الرشید از بزرگترین خلفا و فرمانفرمایان این سلسله است ۰

بعد از عباسیان خلفای طاهری در ایران سلطنت کردند و پس از آنها با کمك مردی باسم یعقوب لیث صفار ، خانواده صفاریان فرمانروای بعضی از نقاط ایران شد ۰ ولی در تمام این مدت سلسله صفاری در زیر فرمان قطعی سلسله بزرگتری باسم سامانیان حکومت میکرد ۰

سلسله سامانی واقعا تنها سلسله ای بود از ایرانیان و مسلمانانی که از خون عرب نبودند ۰ پادشاهان این خانواده صنعت و ادبیات و شعر را در ایران رواج کامل دادند ۰ در پناه حکومت عادلانه آنها ایران دوباره رونقی گرفت و سری بین سرها بیرون آورد ۰ این سلسله بعد از سیصد و بیست و نه سال سلطنت در سال ۱۲۲۹ میلادی بدست غزنویان شکست خورد و از بین رفت ۰

سلسله غزنوی و سلجوقی

بود ۰ این مرد بعد ها بدست انوشیروان از بین رفت ۰ محمد پیغمبر اسلام در زمان این پادشاه به دنیا آمد ۰ شطرنج در زمان انوشیروان از هندوستان به ایران آورده شد و بعد به تمام دنیا معرفی گردید ۰ انوشیروان مقدار زیادی از کارها و کشورداریهایش را با مشورت بزرگمهر یا بوذرجمهر حکیم انجام داد ۰ او وزیر انوشیروان و مردی بزرگوار و فیلسوف بود ۰

ظهور محمّد و پیدایش مذهب اسلام بعد از ضعف ایران که مدت صد سال با روم در زد و خورد بود ، باعث شد که عربها را بفکر تسخیر ایران بیندازد ۰ در سال ۶۳۳ که یزدگرد سوم تاجگزاری کرد ، اولین دسته اعراب وارد خاک ایران شد ۰ کم کم بعد از حمله های پی در پی در سال ۶۳۷ در جنگ قادسیه ایران را شکست دادند و سرنوشت آتیه اس را معلوم کردند ۰

تا سال ۶۵۰ ، عربها تمام ایران را اشغال کرده و تا بلخ پیش رفته بودند و بالاخره در سال ۶۵۱ سلسله ساسانی را بکلی از بین بردند و صاحب ایران شدند ۰

پادشاهان مهم این سلسله عبارتند از :

اردشیر اول	۲۴۱ ـ ۲۲۴
شاپور اول	۲۷۲ ـ ۲۴۱
شاپور دوم	۳۷۹ ـ ۳۱۰
فیروز	۴۸۴ ـ ۴۵۹
انوشیروان	۵۷۹ ـ ۵۳۱
یزدگرد سوم	۶۵۱ ـ ۶۳۲

وقایع و حکمرانان ایران بعد از حمله عرب

اعرابی که به ایران حمله کردند ، با خود مذهب اسلام و تمدن عرب را به

دوباره پا برجا کرد . این استقلال در زمان پدرانش قدری متزلزل شده بود . در این وقت ارامنه ارمنستان از مذهب زرتشتی دست برداشتند و بوسیله رومیها که تازه مسیحی شده بودند ، تغییر مذهب دادند . این خود باعث شد که کینه ایرانیان نسبت به ارمنستان زیادتر شود .

بامر شاپور ، در همین موقع کتاب اوستا (کتاب مذهبی زرتشتیان) ترجمه شده وحاضر بود . شاپور فرمان داد که آنرا در همه ایران بکار برند و هرکس که مطابق دستورات آن رفتار نکند تنبیه بشود . این بود که مسیحیان ارمنستان صدمات سختی از شاپور خوردند و چون رومیها به کمك ارمنیها آمدند ، جنگ مذهبی بزرگی بین روم و ایران شروع شد . (۳۳۷ میلادی) .

جنگهای بین شاپور و رومیها تا سال ۳۶۳ میلادی طول کشید . شاپور در اول با وجود شکستهائی که به رومیها میداد ، نمیتوانست سرزمینهای آنها را تصرف کند ولی بالاخره ژولین از شاپور شکست خورد و بعد از او جانشینش با شاپور صلح کرد . از این ببعد سرزمینهای مسوپوتمیا و دژ نصیبین بدست ایرانیان افتاد .

دیگر از شاهان بزرگ این سلسله خسرو اول یا انوشیروان دادگر را میتوان اسم برد . (۵۷۹ ــ ۵۳۱ میلادی) . این شاه یکی از برجسته ترین شاهان ساسانی است . در زمان او مساوات و عدل بین مردم و خانواده سلطنتی برقرار شد و آبادیهای زیاد در تمام مملکت پیدا گردید . او نیز جنگهای زیادی با رومیها کرد و بالاخره سرحدات کشور را تا حدود دریای سیاه رسانید و شهر تیسفون را در کنار دجله ساخت و آنرا پایتخت زمستانی خود ساخت . با ارامنه نیز جنگ کرد و اعراب یمن را از دست آسوریها نجات داد . یمن از آن ببعد در زیر فرمان ایران درآمد .

در زمان انوشیروان مردی بنام مزدك پیدا شد که رسم و روش کمونیستهای امروزه را داشت و تا مدتی نیز انوشیروان را جلب فلسفه و گفته های خود ش کرده

موسس سلسله اشکانیان "اشك اول" است که از سال ۲۵۰ تا ۲۴۷ ق ۰ م ۰ سلطنت کرد ۰

اشك دوم یا تیرداد اول بعد از شکست برادرش بر تخت نشست (۲۴۸) و خود را اشك دوم نامید ۰

تمام پادشاهان این دولت بمناسبت اشك اول که بانی دولت پارت بود ، کلمه اشك را به اسم خود میافزودند ۰ این سلسله مدت پانصد سال از شط فرات تا کوههای هندوکش را در دست داشت و بالاخره در سال ۲۲۶ میلادی با بلاش پنجم و اردوان پنجم خاتمه یافت ۰ این را نیز باید گفت که این سلسله از دولت روم شکست نخورد و همیشه آنها را شکست داد ۰

سلسله ساسانیان

این امپراطوری بوسیله اردشیر اول یا اردشیر بابکان تاسیس پیدا کرد ۰ طرز حکومت این فرمانفرمایان بکلی با اشکانیان ، سلوکیها یا جانشینان اسکندر فرق دارد ۰ روش این مردم دنباله و سبك مملکت داری هخامنشیان است ۰ روابط خارجی آنها تا مدتی کاملا محدود بود و غیر از نگاهداری از خودشان و درست کردن اوضاع داخلی کار مهم دیگری نمیکردند و فقط گاهگاهی قبایل کوچکی را در سرحدات شکست میدادند و مرزهای ایران را بزرگتر میکردند ۰ بهرام دوم مسوپوتمیا را تسخیر کرد و چون رومیها ضعیف شده بودند ، با کمال راحتی توانست آن سرزمین را بدست آورد ولی مرگ ناگهانی او این کشورگشائی را ناتمام گذاشت و سربازان رومی دوباره آنجا را بدست آوردند ۰

شاپور دوم در سال ۳۱۰ ــ ۳۱۰ بسلطنت رسید و استقلال ایران را

سال ٦٤ ق٠م٠ ختم گردید ٠

این پادشاهان در یونانی کردن مشرق سعی زیادی کردند ٠ چند شهرهائی ساختند و ساکنین یونانی در آنها نشاندند ٠ ولی تمام کارهایشان بی فایده ماند و غیر از نشانه ای از آنها در مصر و سوریه اثر دیگری از این تمدن یونانی در هیچ جای شرق دیده نمیشود ٠

دول دیگری بعد از سلوکی ها در ایران بوجود آمدند که مهمترین آنها عبارتند از :
دول آسیای صغیر ، کاپادوکیه ، پنت کاپادوکی ، دولت پرگام و بطالسه

دولت اشکانی

شرح مفصلی در تواریخ ایران از این دوره در دست نیست و با به دلائلی مردم ایران و تاریخ نویسان آنرا نوشته اند ٠ یا آنکه اگر کسی چیزی راجع به آن نوشته گم شده و از بین رفته است ٠ بهر صورت تاریخ اشکانیان به سه دوره تقسیم میشود

اول ـ قسمتی است که دولت پارت تاسیس میشود ولی هنوز تمام ایران را شامل نیست در این دوره دولت جوان پارت خود را حاضر میکند و ریشه میدواند و سلوکیها را از ایران بیرون میکند ٠

دوم ـ بخشی است که دولت پارت با دولت جهانی روم (دو دولتی هستند که) دنیای آن روزی را در دست دارند ٠ پارت حریف پر زور و رقیب دولت روم است و حتی روم مغلوب نشدنی را مرتبا شکست میدهد و به آنطرف فرات میراند ٠

سوم ـ قسمت ضعیف شدن این دولت است ٠ دولت پارت رو به ضعف و سستی میگذارد تا آنکه بدست اردشیر بابکان ساسانی زوال پیدا میکند ٠

بعد از مرگ اسکندر علاوه بر نزاعی که بین سرداران او رو داد ، اشخاص دیگری هم فکر سلطنت بسرشان افتاد . یکی از آنها برادر ناتنی اسکندر بود دومی مادر اسکندر و سومی خواهر او و چهارمی دختر فیلیپ دوم بود .

بعد از تمام این مشاجرات و منازعات که چند روز طول کشید ، بالاخره دو نفر را برای سلطنت انتخاب کردند . آن دو نفر برادر نامشروع اسکندر و پسری را که فرض میکردند "رکسانه" زن ایرانی اسکندر خواهد آورد بودند . پردیکاس هم که از سرداران اسکندر بود ، نایب السلطنه و قیّم دو پادشاه گردید .

سلطنت این دو نفر کاملا موقتی بود و تا وقتی طول کشید که رکسانه هنوز نزائیده بود . میل عمومی کسان اسکندر آن بود که پسر اسکندر (اگر پسری از او بدنیا بیاید) پادشاه شود . ولی سرداران خود خواه اسکندر پسر رکسانه را کشتند و این قضیه به خانواده اسکندر و سلسله مقدونیه خاتمه داد .

دولت سلوکیها

سلکوس سردار معروف اسکندر بعد از مرگ او با پردیکاس کمک کرد ولی بعدها در مصر سبب کشته شدن او شد . کم کم بعد از مرگ پردیکاس به خوزستان و ماد رفت و یک به یک این ممالک را بدست آورد و باین ترتیب سلطنت سلوکی را در سال ۳۱۲ ق.م. تاسیس کرد و در ۳۰۶ خود را پادشاه خواند . این شخص بعد از سی و یک سال سلطنت بقتل رسید و بعد از او آنتیاخوس به سلطنت رسید و تقریبا تمام وقتش را صرف نگاهداری کشورهای وسیع خود کرد .

این دولت بعد از جنگهای بسیار با روم و دولتهای دیگر ، بالاخره در

یونان این خیال به حقیقت مبدل شد و آن حقیقت به حقیقت بزرگتری منجر گردید .

اسکندر که مردی بود خارق العاده تصمیم گرفت دنیای آن روز را با هم متحد کند و باشهامت عجیبی پس از پس گرفتن شهرهای یونان و آسیای صغیر به سرحدات ایران حمله کرد و وارد ایران شد .

حمله اسکندر

طرز حمله اسکندر و روش فتح او در اینجا بکلی بی مورد و از بحث ما خارج است ولی همینقدر میگوئیم که اسکندر بعد از شکست دادن نیروهای ایران و کشتن داریوش و آتش زدن قصر شاهی ایران خودش را شاهنشاه ایران خواند ، بعد از آن لباس ایرانیان را پوشید و با رسوم ایران به تخت شاهی نشست . ۳۳۱ ق . م .

اسکندر بعد از فتح پایتختهای ایران شروع به حمله اساسی و فتح دنیا کرد و بنا بر نقشه و تصمیمش میخواست دنیای آن روز را یکی کند و زیر یک پرچم بیاورد . ولی نقشه او بعد از فتح عربستان و برگشتن از هندوستان بهم خورد و در ۱۳ ژوئن سال ۳۲۳ قبل از میلاد در بابل (بابیلن) مرد و نتوانست به افریقا برود و کارتاژ را هم بگیرد .

حکومت جانشینان اسکندر

مرگ ناگهانی اسکندر و نبودن پسر بالغی از او که بر تخت بنشیند و نیز وجود عده زیادی از سرداران اسکندر و رجال مقدونی ، که هیچکدام خود را کمتر از دیگری نمیدانست ، باعث گردید که بعد از فوت اسکندر جنگهای خونین و طویلی در دودولت او روی دهد .

اسپارتیها با کمک داریوش نیز توانستند در سال ۴۰۴ ق.م. آتن را تصرف کنند.

بعد جنگ بین دولت ایران و اسپارتیها بر سر تقسیم غنائم و زمینها و نفوذ سیاسی و اقتصادی بر کشور یونان و آسیای صغیر جنگ شد. دولت ایران مجبور شد با یونانیها صلح کند و با کمک آنها اسپارتیها را شکست بدهد. اسپارتیها بعد از این شکست دولت ایران را به رسمیت شناختند و آنها را مالک و آقای خود دانستند ولی این زد و خورد با یونان و اسپارت و بر عکس فرصت زیادی به قبایل و ساتراپهای ایران داد که بر ضد دولت شورش کنند. ضعف دولت ایران نیز در سالهای بعد معلوم شد. ایران دیگر نتوانست از انقلاب مصر جلوگیری کند و نیز یونانیها دوباره شروع به سرکشی کردند و قبایل ایران هم از داخل این آتش را دامن میزدند.

نفوذ یونان در ایران

ایرانیها بعد از تسلط بر جزایر و شبه جزیره بالکان از فکر و سلیقه و ذوق یونانیها کمکهای فراوان خواستند و نیز نفوذ خود یونانیها در کشورهای داخل آسیا شروع شده بود. نقاشها، نویسندگان و شعرا و غیره به ایران آمدند و تمدن یونانی را به ایران آوردند. کم کم ایرانیها نیز در کارهای سیاسی نظریات و کمکهائی از یونانیها خواستند و آنها را بر سر کارهای بزرگ و عمده گذاشتند و این خود درهای نفوذ یونان و تمدن یونانی را بر ایران باز کرد.

تقریبا صد سال گذشت و یونانیها کم کم بفکر افتادند که چرا باید زیر نفوذ ایران باقی بمانند. این بود که در سال ۳۳۷ ق.م. لشکری تهیه کردند و به آسیای صغیر حمله نمودند. تنها مقصود یونانیها در آن زمان این بود که شاید بتوانند شهرهای خودشان را از ایران پس بگیرند و متاسفانه با ظهور اسکندر در بقیه در صفحه ۱۴ است

و د ر صحرای ماراتن ایران را شکست دادند ۰ ۴۷۹ ـ ۴۸۰ ۰

شکست خشایارشا باعث کوچك شد ن و از بین رفتن امپراطوری بزرگ ایران شد ۰ یونانیها طوری د ر جنگ برتری به ایرانیها نشان دادند که ایرانیها جرات نکردند دوباره به یونان حمله کنند و د ر مصر نیز نتوانستند جلو شورشیان را بگیرند ۰ ولی یونان هنوز قدرت و جرات حمله بزرگی به ایران را نداشت و منتظر فرصت بود که روزی بتواند این آرزوی دائمی خود ش را برآورد ۰

فساد امپراطوری

کم کم دولت بزرگ هخامنشی ضعیف شد و قدرت حمله را از دست داد و د ر داخل مملکت آشوبهائی بو سیله ساتراپها بر قرار گردید و بالا خره منجر به قتل خشایارشا شد ۰ بعد از او پادشاهان دیگری آمدند که همه ضعیف بودند و کاری از دستشان ساخته نبود ۰ د ر اواخر کار دو نفر دیگر روی کار آمدند ، یکی بنام داریوش (دوم) که د ر زیر نفوذ زن خونخوارش خونریزی ها کرد و دیگری بنام ارد شیر سوم است که سوگند خورده بود رودهای خون د ر ایران جاری کند ۰ با کمك او بالاخره بعضی از قبایل ایران که از هم گسیخته شده بودند دوباره بهم پیوستند ۰ ولی عده زیادی از آن قبایل بکلی مستقل شدند و سرحدات هندوستان و مصر و آسیای صغیر تقریبا پیش از تسلط امپراطوری ایران بر آنها برگشت ۰ اما د ر زمان داریوش دوم روزن امیدی برای محکم شدن امپراطوری ایران باز شد ۰ انقلابات و اغتشاشات داخلی د ر یونان ، زمینه را برای دخالت داریوش د ر آن کشور حاضر نموده بود ۰ این بود که وی دستور داد تا حکمرانان آسیای صغیر مالیاتهای عقب افتاده و پرداخت نشده ایران را از شهرهای زیر تسلط فعلی یونانیها بگیرند و نیز شروع به دخالت د ر امور سیاسی آن کشور کنند ۰ داریوش با پول و قوا به دولت سپارت کمك فراوان کرد و آنها را به جنگ با یونانیها وادار نمود و

سمردیس یا بردیا ۵۲۱

داریوش کبیر ۴۸۵ ـ ۵۲۱

خشایارشا (ه) اول ۴۶۵ ـ ۴۸۵

اردشیر اول ۴۲۵ ـ ۴۶۵

خشایارشا(ه)دوم ۴۲۴ ـ ۴۲۵

داریوش دوم ۴۰۴ ـ ۴۲۴

اردشیر دوم ۳۵۹ ـ ۴۰۴

اردشیر سوم ۳۳۸ ـ ۳۵۹

ارسس ۳۳۶ ـ ۳۳۸

داریوش سوم ۳۳۰ ـ ۳۳۶

وقایع مهم امپراطوری هخامنشی

جنگ با یونان ـ

برخلاف کورش و کامبوزیا ، داریوش بر وسعت مملکت چیزی نیفزود ولی در زمان او قبیله های زیادی از قبایل ایران بهم مربوط شدند و از این جهت دولت مقتدرتری ایجاد کردند ۰

امپراطوری هخامنشی در آن روز تمام آسیای میانه و شرق نزدیك و آسیای کوچك را در دست داشت و قسمتی از سواحل شمال افریقا و دولت کارتاژ نیز در دست دولت ایران بود ۰ از اینرو خشایارشا نیز تصمیم گرفت که ضرب شستی نیز به یونان نشان بدهد و برای اینکار دولت کارتاژ که یکی از دومینیون های ایران بود با ایران کمك کرد و سربازان ایران و فنیقی از هر طرف به یونان حمله ور شدند ۰ ولی یونانیها که در کشتی رانی و دریانوردی بر ایرانیها و کارتاژیها برتری داشتند از راه دریا جلو حملات ایرانیها را گرفتند و کمانداران و تیراندازان ماهر ایرانی را که در زمین بر یونانیها غلبه کرده بودند بدون کمك و پشتیبانی گذاشتند و در

سیروس تمام نژاد ها و طوایف مختلف ایران را با هم یکی کرد و از این ترکیب، ایران مقتدر و بزرگی بوجود آورد که از همه جهت سرآمد کشورهای دیگر آنروز شد. مردمان این کشور بیشتر نقاط دوردست دنیای گذشته را در دست گرفتند و بر ملیونها مردم حکمرانی کردند. سیروس اولین سنگ بنای امپراطوری ایران را گذاشت و بعد از او دوران به داریوش رسید.

داریوش بیشتر اوقات پاهایش را درست در جای پای کورش میگذاشت و از اوامر و دستورهای او پیروی میکرد. این پادشاهان بزرگ پایه مملکت داری و مملکت گیریشان را روی خداپرستی و انسانیت گذاشته بودند و همیشه از خدا کمک میخواستند که آنها را بر دشمنان و اهریمنان فاتح گرداند. اهورامزدا خدای بزرگ آنها بود و او بود که مبدأ همه خوبیها بود و او بود که ایرانیها را از همه مردمان دنیا بالاتر برده بود و او بود که به آنها قدرتی داده بود که میتوانستند دنیای آن روز را فتح کنند و آقای همه بشوند.

پادشاهان ایران قدیم مخصوصا کورش و داریوش در جوانمردی بی نظیر بوده اند. در جنگها وقتی فاتح میشدند، سرداران شکست خورده را احترام میکردند و بعد از جنگ به آنها کارهائی واگذار مینمودند و به آنها زمین و خانه و پول میدادند و از آنها استفاده کامل میکردند.

سلسله هخامنشیان در سال ۵۵۰ قبل از میلاد مسیح ایجاد شد و آن وقتی است که کورش بر دولت ماد غالب شد و شاهنشاه بابل گردید. کورش بین سالهای ۵۲۹ ـ ۵۵۰ بر ایران حکومت کرد و بنای سلسله هخامنشی را گذاشت

بعد از کورش پادشاهان سلسله هخامنشی از قرار زیرند:

کامبیز (کامبوزیا) ۵۲۱ ـ ۵۲۸

نژاد های قدیمی ایران

از مراکز هندوستان در چند یز هزار سال پیش مردمانی قصد مسافرت و کوچیدن به سرزمینهای دیگری را کردند . این باعث شد که سرزمین ایران یکی از نقاط مسکونی این جمعیت گردد .

نژادی که مردمان قدیم و قسمت عمده ای از مردمان امروزی ایران را تشکیل میدهد "هندو اروپائی" است که آنرا در زمانهای گذشته "اروان" میگفتند . این لغت در اثر زیر و رو شدن به شکل امروز در آمده و "ایران" نامیده میشود ، یعنی سرزمین آریاها .

غیر از ایرانیها که از نژاد آریها هستند ، نژادهای دیگر نیز در ایران وجود داشته است . مثلا در بلوچستان ایران در جوار نژاد ایرانی مردمانی را میتوان یافت که از نژاد "براهوی" هستند و مستقیما با نژادهای "دراویدین" در هندوستان مربوط میشوند و بکلی با آریائیها فرق دارند .

امپراطوری هخامنشی

شروع این امپراطوری بزرگ از روزی است که کورش (سیروس) بر روسای مادها شوریدند و آنها را در پازارگاد شکست داد . روسای او فرمانفرمایان ایران و از طایفه مدیها بودند . مدتی نگذشت که کورش مدیها را در همدان از بین برد و بجای آن در پارس "فارس" حکومت تازه ای برقرار کرد .

ایران در سال هزار و نهصد و پنجاه بر پا گردید و ایران برای اولین مرتبه دارای مجلس سنا شد .

مذاهب ایران

تقریباً نود درصد مردم ایران پیرو مذهب اسلام هستند . مذهب اسلام در ایران به دو شعبه مهم تقسیم میشود که عبارت است از شیعه و سنی. نود و پنج درصد مسلمانان ایران شیعه و بقیه سنی هستند .

مذاهب دیگر :

پیروان چندین مذهب دیگر نیز در ایران زندگی میکنند . عمده این مذاهب عبارتند از :

زرتشتیان ــ این مردم در ایران "گبر" و در هندوستان "پارسی" نامیده میشوند و بیشتر آنها در تهران و یزد و حوالی کرمان زندگی میکنند .

ارمنی ها ــ (ارامنه) عده ارامنه در ایران به صد هزار نفر میرسد . اینها پیرو مذهب مسیح هستند و محل زندگی آنها در آذربایجان ، اصفهان و تهران میباشد .

نستوریها ، پرتستانها ، کاتولیکهای روم ، یهودیها و بهائیها

پیروان این مذاهب تقریبا در همه ایران پراکنده اند و کلیساها یا معابد مختلف آنها در خیلی از نقاط ایران دیده میشود .

انجام نمیداد ۰ این موضوع باعث اختلافات زیادی شد که از بحث ما خارج است ۰

در سال هزار و نهصد و پنج مردم ایران که از این موضوع خسته شده بودند و چشم بسته از پادشاه اطاعت میکردند ، شروع به داد و فریاد کردند و برای عوض کردن وضع آن روزی مملکت اقداماتی نمودند ۰ بالاخره در سال ۱۹۰۶ موفق شدند که شاه را مجبور کنند تا بآنها قانون اساسی بدهد و مجلس شورای ملّی را درست کند ۰ مقصود مردم از مجلس شورای ملی آن بود که محلی را اختصاص بدهند که در آن نمایندگانی از همه نقاط ، اصناف و دینها و طوایف مختلف ایران که بوسیله مردم انتخاب شده اند حاضر باشند و برای مدّت دو سال که دوره مجلس خواهد بود به قانونها رسیدگی نمایند ، قانون بگذارند و بودجه را درست کنند و خلاصه کارهای مملکت را در دست بگیرند ۰ عدّه این نمایندگان قرار شد که از مرکز ۶۰ نفر و از بقیّه نقاط ایران ۱۰۲ نفر باشد ۰ این عده میتوانند در صورت لزوم به دویست نفر نیز برسد ۰ انتخاب کنندگان نباید کمتر از بیست و پنج سال کمتر داشته باشند و انتخاب شوندگان نباید کمتر از سی سال و بیشتر از هفتاد سال داشته باشند ۰ کسانی که انتخاب میشوند باید دارای سواد خواندن و نوشتن زبان فارسی بوده و نیز دارای اسم خوب و سابقه درست باشند ۰ کسانی که در ارتش و نیروی دریائی و سایر مشاغل دولتی هستند نمیتوانند برای وکالت مجلس شورای ملی کاندید و انتخاب بشوند ۰ کسانی که به وکالت مجلس انتخاب میشوند از مجازات و حبس در امانند و شهربانی نمیتواند به هیچ عنوان آنها را توقیف کند مگر آنکه مجلس از آنها سلب مصونیت بنماید ۰ این امریه در سال هزار و نهصد و هفت به وسیله محمد علی شاه قاجار امضا شد و در هشتم اکتبر هزار و نهصد و هفت تقریباً بمورد عمل گذاشته شد ۰ بنا بر این امریه، شاه همیشه نخست وزیر را انتخاب میکند و نخست وزیر وزرای کابینه اش را برمیگزیند و از مجلس رأی اعتماد میگیرد و بکار مشغول میشود ۰

فعلاً ایران دارای مجلس سنا و مجلس شورای ملی است ۰ مجلس سنای

محصولات زراعتی ایران

چون طرز و روش زراعت در ایران هنوز خیلی ابتدائی است ، این است که آنطوری که باید و شاید از آب و زمین و قوای طبیعی و انسانی استفاده نمیشود ولی با وجود این محصولات ایران تقریبا کفایت احتیاجات داخلی آن کشور را میکند برنج ، تریاك ، پنبه و میوه تازه و خشك از محصولات عمده زراعتی ایرانند . شراب و ابریشم و پشم و گندم نیز در درجه دوم اهمیت قرار دارند .

سایر محصولات ایران

نفت ایران از همه محصولات ایران مهم تر و قابل ذکر تر است ولی در اثر ایجاد نفاق بین ایران و انگلیس فعلا از مراکز عمده و زرخیز نفت ایران آن طوری که باید استفاده نمیشود ، ماهی گیری در دریای خزر یکی از منابع مهم سرمایه و عایدی ایران است .

مساحت و جمعیت ایران

مساحت ایران ۶۳۴،۴۱۳ میل مربع است و جمعیت آنرا به هفده ملیون تخمین میزنند . این مردم بیشتر به زبان فارسی تکلم میکنند ولی ترکی و ارمنی و کردی و عربی نیز در ایران صحبت میشود . تهران از همه شهرهای ایران پرجمعیت تر است و جمعیت امروز آن به یك ملیون میرسد .

دولت و قانون اساسی

تا سال ۱۹۰۶ دولت ایران فقط دارای پادشاه بود و پادشاه سرکرده و فرمان فرمای کشور بود . ولی پادشاه در آن روز بیشتر احکامش را روی اصول و قواعد و قانونهای دینی صادر میکرد و هرچه روسای دینی برای او صلاح میدیدند او عملی میکرد . خلاصه پادشاه بدون فرمان و صلاح دید شیخها و بزرگان مذهب کاری

شبهای تابستان در سواحل ایران خیلی گرم و خفه کننده است و سبب آن نبودن باد و وجود رطوبت زیاد است ۰

مقدار باران در ایران کم است و بجز سواحل دریای خزر سایر نقاط ایران باران زیادی ندارد ۰ شهر رشت پر باران ترین نقطه ایران است و مقدار متوسط باران سالیانه آن شهر به ۵۶ اینچ میرسد ۰ مقدار این باران هرچه به طرف مشرق و بعد بمرکز ایران و جنوب ایران متوجه میشود کمتر میشود ۰ مقدار باران در مرکز ایران به یک اینچ میرسد و باز در سواحل جنوب به ده و یازده اینچ باران در سال میبارد ۰

برف در ایران میبارد ولی این بارش در نقاط بلند ایران است ۰ در سایر نقاط ایران که ارتفاعشان از چهار هزار پا کمتر است ممکن است برف بیاید و ممکن است نیاید ۰ ولی ارتفاعات از چهار هزار پا ببالا حتماً همه ساله چیزی برفشان را میگیرند ۰

درختان و گیاهان ایران

از سواحل بحر خزر تا ارتفاع سه هزار پا تمام گیاهان و درختان مانند گیاهان و درختان آب و هوای مدیترانه ای است ۰ هرچه بارتفاع زمین افزوده میشود ، گیاهان و درختان شمالی تر میشوند و کم کم انواع کاج و سرو در ارتفاعات ده و یازده هزار پا میرسند ۰ در کوههای مشرق ایران درختان بلوط و پسته دیده میشود که متعلق به آب و هوای معتدل و خشک است ۰ زیتون را در رود بار گیلان میکارند ولی گاهگاهی در کوههای مرکزی و جنوبی ایران تک تک بطور طبیعی دیده شده است ۰

میل(۴۵۰ کیلومتر) به دریای خزر وارد میشود ۰ این رود مقداری از سرحد شمالی ایران را با روسیه تشکیل میدهد و خط سرحدی خوانده میشود ۰

بغیر از رود مهم کارون که اگر برای آبیاری سد بندی شود استفاده زراعتی زیادی برای ایران خواهد داشت، سایر رود های ایران در بهار و زمستان پرآب است و در سایر ایام سال یا خشك است و یا کم آب ۰ رود کارون به خلیج فارس داخل میشود و از کوههای مرکزی ایران سرچشمه میگیرد و پرآب‌ترین رود ایران است ۰ رود های دیگر ایران به مرکز ایران و کویرها میروند و غیر از استفاده کمی برای زراعت فایده دیگری ندارند ۰

آب و هوای ایران

بطور کلّی ایران دارای آب و هوای خوبی است ۰ زمستانها سرد میشود و برف میبارد و تابستانها در نقاط کوهستانی خوب وملایم است و در حوالی کویر گرم و خشك میشود ۰ بجز اراضی و سواحل بحر خزر و خلیج فارس سایر نقاط ایران دارای درجه حرارت متوسط هشتاد درجه است ۰ درجه متوسط حرارت سواحل بحر خزر همیشه هفتاد و پنج درجه است زیرا بادهائی که از طرف دریای خزر بطرف جنوب میوزد بخارات آب را به مازندران میاورد و همیشه آنجا را در یك درجه حرارت مطلوبی نگاه میدارد ۰ اگر برای رطوبت فراوان نبود سواحل بحر خزر از خوش‌آب و هوا ترین نقاط ایران میتوانست باشد ۰

درجه حرارت در زمینهای بلند ایران در تابستان زیاد و در زمستان خیلی کم است ۰ در تهران درجه حرارت متوسط در ماه ژانویه به ۳۵ فارنهایت میرسد و در حوالی اصفهان برودت به زیر صفر (فارنهایت) هم میرسد ۰

سیزده هزار پا نیز در آن پیدا میشود ۰ این رشته کوهها را کوههای مرکزی ایران مینامند ۰

کوههای غربی ایران که تا خلیج فارس ادامه دارد از آذربایجان شروع میشود و بلندیهای کردستان و لرستان و خوزستان و بختیاری را تشکیل میدهد و ارتفاع آنها به چهارده و پانزده هزار پا نیز میرسد ۰ دیگر کوههای البرز است که دوباره از آذربایجان و سواحل غربی بحر خزر شروع شده و در تمام شمال ایران ادامه دارد و بعد از خراسان میگذرد و به هندوکش در افغانستان و هیمالیا در هندوستان وصل میشود ۰ ارتفاعات این سلسله تا تقریبا نوزده هزار پا هم در ایران میرسد ۰ در خراسان سلسله کوههای بینالود از مهمترین برجستگیهای این سرزمین است و به ارتفاعات یازده و دوازده هزار پا میرسد ۰

رودهای ایران

چهار رود مهم است که فقط ایران از آن استفاده میکند و بعد وارد دریای خزر میشود ۰

۱ ــ "سفید رود" که از کردستان ایران سرچشمه میگیرد و بطول پانصد میل از جبال البرز میگذرد و به دریای خزر میریزد ۰

۲ ــ "هراز" که از بیست و پنج میلی تهران از جائی باسم قزل کوه سرچشمه میگیرد و از دره لار میگذرد و رود لار نامیده میشود ۰ از لار که گذشت به پای دماوند رفته و از طرف راست دماوند می پیچد و به آمل میرود و از آنجا به شمال رفته و به دریای خزر خالی میشود ۰

۳ ــ رود گرگان از خراسان سرچشمه میگیرد و به طول دویست میل (سیصد و بیست کیلومتر) به بحر خزر میریزد ۰

٤ ــ رود اترک که از قوچان در خراسان سرچشمه میگیرد و به طول سیصد

ایران از جهت زمین شناسی و معدن یکی از متمول ترین کشورهای آسیای میانه یا شرق نزدیک است • موادّی که در سرزمینها و کوههای ایران یافت میشود عبارت است از :

نفت ، نقره ، سرب ، مس ، روی ، قلع ، جیوه ، نیکل ، آهن ، منگنز ، انتیموان • ذغال سنگ فراوان نیز در کوههای ایران یافت میشود ولی متاسفانه جز مقدار کمی ، کسی از آن استفاده نمیکند • بطوری که زمین شناسان و معدن شناسان دنیا میگویند نفت در همه جای ایران یافت میشود ولی تا بامروز فقط نفت جنوب ایران مورد استفاده کلی واقع شده است •

ته نشسته های نمک و سنگ گچ و گوگرد در ایران بمقدار معتنابهی پیدا میشود ولی بجز استفاده کم داخلی ، بهیچ گونه مصرف دیگری نمیرسد • سنگهای قیمتی از قبیل یاقوت و فیروزه در خراسان و معادن نمک و اخرا و سنگ آهن در سواحل خلیج فارس نیز میتوانند از با منفعت ترین معادن ایران باشند •

جغرافیای طبیعی ایران

ایران فلاتی است که از حیث ارتفاع از سایر کشورهای همسایه بلند تر میباشد • بجز اراضی اطراف دریای خزر و سواحل خلیج فارس و خوزستان ، سایر زمینهای ایران بطور متوسط چهار هزار پا از سطح دریا ارتفاع دارند • این ارتفاع از هشت هزار پا و بیشتر تا پانصد پا میرسد • در اطراف این فلات کوههای بلند سر به آسمان کشیده است و فلات ایران را مثل کاسه ای ساخته است • کوههای ایران در بیشتر نقاط از شمال غربی به جنوب شرقی کشیده شده اند • مهمترین و طولانی ترین رشته کوههای ایران از آذربایجان شروع شده و بالغ هشتصد میل (۱۲۰۰ کیلومتر) تا بلوچستان ادامه دارد و در بیشتر نقاط از ارتفاعش از هشت هزار پا کمتر نمیشود و قله هائی از نه هزار تا

حدود ایران

کشور باستانی ایران یکی ازکشورهای مغرب آسیاست و باصطلاح امروز یکی ازکشورهای خاورمیانه است ۰ این مملکت از شمال محدود است به قفقاز و آذربایجان روس، بحرخزر و ترکستان و ازبکستان روس۰ کشورهای افغانستان و پاکستان در طرف مشرق این کشور قرار دارند ۰ دریای عمان و خلیج فارس از جنوب ایران را در آغوش دارند و بالاخره ایران امروز از طرف مغرب به عراق عرب و آسیای کوچك یا کشور ترکیه محدود میگردد ۰

ایران از نقطه نظر زمین شناسی

از دوره های اوّل پیدایش کوهها و زمینها و سخت شدن قشر زمین در ایران اثری نیست ۰ از خاکها و سنگها و فسیلهائی که در مرکز ایران و نزدیکی اصفهان پیدا شده است چنین بنظر میرسد که مرکز ایران را یك دریای کم عمق پوشانیده بوده است که متعلّق بدوره های دوم یا متوسّط میباشد ۰ این دوره وقتی است که زمین را آب پوشانیده بوده و یخچالها و برفها هنوز تشکیل نشده بوده است ۰ از شروع این دوره پنجاه ملیون سال گذشته است ۰ صحاری نمك ایران را دلیل خوبی برای اثبات این ادعا میتوان دانست ۰

زمین شناسی اقتصادی ایران

نبودن و نداشتن وسائل مکانیکی جدید و کمیابی ماشینهای صنعتی و فقرعمومی ایران را از استفاده از مواد گرانبهائی که در کوهها و زمینهای ایران نهفته محروم کرده است ۰

PK6237
.Z53
1952

U. S. Army Language School, Monterey, Calif.

A Short
Geography and History
of
PERSIA

By

Persian Language Department

Hooshang Bahar

August 1952

Copy

ARMY LANGUAGE SCHOOL

PRESIDIO of MONTEREY, CALIFORNIA

РУССКИЙ

СРПСКО-ХРВАТСКИ

華 語

SHQIP

MAGYAR

日 本 語

TURKÇE

PORTUGUES

فارسی

ROMÂNĂ

DANSK

ITALIANO

БЪЛГАРСКИ

POLSKI

粵 語

ČESKY

ΕΛΛΗΝΙΚΑ

한 국 어

ESPAÑOL

FRANÇAIS

العربية

SVENSKA

NORSK

DEUTSCH

33-23201

PERSIAN
GEOGRAPHY & HISTORY

SEPTEMBER 1952

PERSIAN
LANGUAGE DEPARTMENT